گزارش یک

جعفر تکبیری

نام وزیر امورخارجه در لیست کاندیداهای جایزه صلح نوبل قرار گرفت

جایزه ننگین سوچی، بگین، پرز و رابین برای ظریف؟ هرگز!

«محمد جواد ظریف» وزیر خارجه ایران در صدر نامزدهای دریافت جایزه صلح نوبل امسال قرار دارد. این خبری بود که چند روز است در رسانه‌های مختلف دست به دست می‌شود و همگی با این پیش‌فرض به استقبال مراسم اهدای جایزه صلح نوبل در روز جمعه رفته‌اند.

اما موضوع از آنجا آغاز شد که «هنزیک اوردل» رئیس بنیاد صلح اسلو و «اسله اسوین» نویسنده چندین کتاب مربوط به جایزه صلح نوبل در حمایت از توافق هسته‌ای ایران از نامزدی ظریف برای دریافت این جایزه حمایت کرده‌اند.

اوردل معتقد است که این جایزه می‌تواند دارای پیام مهمی مبنی بر حمایت جامعه جهانی از توافق هسته‌ای با ایران باشد؛ توافقی که بسیاری معتقدند با پیمان‌شکنی‌های متعدد امریکا دیگر چیزی جز یک اسم از آن باقی نمانده و رو به اضمحلال است.

اما جدای از اهداف سیاسی که در پشت پرده احتمال اهدای صلح نوبل به یکی از مقامات کشورمان وجود دارد، این نکته را نباید فراموش کرد که مرور اسامی‌ای که تاکنون این جایزه را دریافت کرده‌اند، نشان می‌دهد اکثر آنان در جوامع خود مسئول تئوریزه کردن استانداردهای غربی بوده‌اند و حتی در مواردی این جوایز به افرادی تعلق گرفته که نقش بسیار مهمی در جنایات جنگی داشته‌اند، از این رو باید گفت تلاش برای معرفی دکتر ظریف به عنوان کاندیدای دریافت جایزه صلح نوبل، نه تنها خدمتی به وی محسوب نمی‌شود بلکه با قرار دادن ایشان در ردیف چنین افرادی، توهینی آشکار به ایشان شده است.

■ جایزه صلح نوبل چیست؟

پیش از معرفی برخی چهره‌های سؤال‌برانگیزی که تاکنون این جایزه را دریافت کرده‌اند، به معرفی این جایزه و اهداف اعطای آن خواهیم پرداخت؛ جایزه‌ای که همواره جزو بحث‌برانگیزترین جوایز دنیا بوده است. جایزه صلح نوبل یکی از پنج جایزه نوبل است که آلفرد نوبل ابداع کرد. بر اساس وصیتی که نوبل کرده بود، این جایزه برای مشارکت‌های برجسته در شیمی، فیزیک، ادبیات، صلح و فیزیولوژی یا پزشکی به افراد تعلق می‌گیرد و همان‌طور که در وصیتنامه نوبل نوشته شده جایزه صلح باید توسط کمیته نروژی نوبل اداره و توسط کمیته‌ای از پنج نفر به انتخاب پارلمان نروژ اعطا شود، بنابراین بر اساس تعاریف موجود، کمیته نروژی نوبل هر ساله جایزه صلح نوبل را به شخصی که بیشترین یا بهترین کار را برای دوستی بین ملت‌ها، به وسیله لغو یا کاهش ارتش و برگزاری و ترویج کنگره صلح انجام داده، اهدا می‌کند.

اما چرا این جایزه همواره جزو بحث‌برانگیزترین، جوایز دنیا بوده است؟ پاسخ به این سؤال را باید در افرادی که تاکنون موفق به دریافت این جایزه شده‌اند جست‌وجو کرد. از سال ۱۹۰۱ که این جایزه ابداع شد تا سال ۱۹۵۹ جایزه صلح نوبل به کسانی اعطا شده است که همگی از اهالی کشورهای اروپایی و امریکایی بوده‌اند و پس از این سال که جایزه به افراد غیرغربی اعطا شد نیز تمام برندگان آن کسانی بودند که از نظر فکری وابستگی شدیدی به دنیای غرب داشتند. گفتن این نکته نیز بد نیست که اتباع امریکا و انگلیس جزو بیشترین ملیت‌هایی بودند که این جایزه را از آن خود کرده‌اند. نکته جالب در خصوص جایزه صلح نوبل نیز آنجاست که مهاتما گاندی رهبر سیاسی و معنوی هند که نقش ویژه‌ای در رهایی این کشور از استبداد انگلیس داشت، با وجود پنج بار نامزدشدن برای دریافت این جایزه، هرگز جایزه‌ای را دریافت نکرد. پس از ترور او در سال ۱۹۴۸، کمیته در نظر گرفت که جایزه را پس از مرگش به او اهدا کند، اما در ادامه تغییر نظر داد و با توضیح نبود هیچ فرد زنده شایسته‌ای برای دریافت این جایزه، از دادنش در آن سال اجتناب کرد.

■ نگاهی به چهره‌های دریافت‌کننده جایزه صلح نوبل

تا سال ۲۰۱۶ جایزه صلح نوبل به ۱۰۴ نفر و ۲۳ سازمان تعلق گرفته است. در میان این ۱۰۴ نفر چهره‌های جالبی قرار دارند که نه تنها هیچ فعالیتی برای توسعه صلح در دنیا نداشته‌اند بلکه اقدامات آنها در دامن زدن به آتش جنگ، امکان تحت تعقیب قرار دادن آنها توسط مجامع بین‌المللی را محتمل می‌سازد. یکی از این چهره‌ها جرج کاتلد مارشال از رهبران نظامی امریکا بین دو جنگ جهانی بزرگ بود. او در پست‌های فرمانده ستاد ارتش، وزیر خارجه و وزیر دفاع امریکا خدمت کرد. به خاطر مدیریت قدرتمند او در جنگ مقابل نیروهای متحدین که منجر به پیروزی متفقین در جنگ دوم جهانی شد، چرچیل او را «طراح پیروزی» نامید. در طول جنگ جهانی دوم، او هم به عنوان فرمانده جنگی و هم مشاور مستقیم روزولت خدمت می‌کرد. وی در سال ۱۹۵۳ برنده جایزه صلح نوبل شد.

از چهره‌های دیگر امریکایی که برنده جایزه صلح نوبل در سال ۱۹۷۳ شده، هنری کیسینجر است. وی یکی از دیپلمات‌های معروف امریکایی و مشاور اسبق امنیت ملی ایالات متحده امریکا بود که اصلیتی یهودی داشت. کیسینجر در دوره ریچارد نیکسون به عنوان وزیر امور خارجه امریکا مشغول به کار شد و پس از پایان دوره نیکسون به خاطر رسوایی واترگیت در همان سمت با جرالد فورد به همکاری ادامه داد.

وی در سال ۱۹۷۳ به خاطر تلاش‌هایش برای نجات امریکا از منجلاب جنگ ویتنام، جایزه صلح نوبل گرفت. از دیگر چهره‌های جنجالی که در سال ۱۹۷۵ برنده جایزه صلح نوبل شده، آندره ساخاروف است؛ فردی که به پدر بمب هسته‌ای شوروی مشهور بود و به دلیل جاسوسی برای امریکا توسط سرویس جاسوسی شوروی بازداشت و به تبعید فرستاده شد. امریکا سپس برای قدردانی از خدمات وی در دوران جنگ سرد، باعث اعطای جایزه صلح نوبل به وی شد. چهره جنجالی دیگری که برنده جایزه صلح نوبل شده، انور سادات رئیس‌جمهور سابق مصر بود. وی به دلیل به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی موفق به دریافت جایزه صلح نوبل شد.

این جایزه در سال ۱۹۷۸ به «مناخم بگین» نیز تعلق گرفته بود و نباید از یاد برد که وی اولین نخست‌وزیر رژیم اشغالگر اسرائیل بود که قبل از تأسیس آن در دهه ۴۰ میلادی فرماندهی سازمان نظامی «ایرگون» را به عهده داشت؛ سازمانی که حتی اداره قیمومیت بریتانیا بر فلسطین آن را سازمان تروریستی می‌دانست. میخائیل گورباچف که از وی به عنوان یکی از عوامل ضعف و فروپاشی شوروی یاد می‌کنند هم از دیگر برندگان جایزه صلح نوبل است.

وی یک سال پیش از فروپاشی شوروی به عنوان رهبر این کشور برنده این جایزه شد.

اما شاید عجیب‌ترین افرادی که جایزه صلح نوبل دریافت کرده‌اند، شیمون پرز و اسحاق رابین رئیس دولت و نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس باشند؛ دو فردی که در کشتار مردم فلسطین و سرکوب قیام انتفاضه آنان نقش فراوانی داشتند.

شیرین عبادی نیز یک ایرانی سابق است که در سال ۲۰۰۳ جایزه صلح نوبل را از آن خود کرد؛ فردی که در ادامه مشخص شد یکی از ارکان اصلی ایجاد فشارهای حقوق بشری به جمهوری اسلامی از سوی دولت‌های غربی است و امروز به عنوان یکی از اپوزیسیون‌های جمهوری اسلامی، تلاش زیادی برای انزوای کشورمان در موضوعات حقوق بشری می‌کند.

اما یکی از جنجالی‌ترین برندگان جایزه صلح نوبل، باراک اوباماست. در سال ۲۰۰۹، کمیته نروژی صلح نوبل، بار دیگر در یک انتخاب به شدت پرسش‌برانگیز، باراک اوباما رئیس‌جمهور وقت امریکا را به علت آنچه «تلاش فوق‌العاده برای تقویت دیپلماسی بین‌المللی و ترغیب به همکاری میان مردم» می‌خواند، برنده جایزه ۱/۴ میلیون دلاری صلح نوبل اعلام کرد. این در حالی است که او تنها چندماه قبل به عنوان رئیس‌جمهور وارد کاخ سفید شده بود و پیش از آن هیچ عملکرد شاخص یا حتی معمولی مورد نظر نوبل در کارنامه او دیده نمی‌شود.

در نهایت فرد دیگری که در سال ۱۹۹۱ برنده این جایزه شده و نقش بسیاری در کشتار افراد بی‌دفاع داشته، آنگ سان سوچی رهبر میانمار است؛ فردی که در برابر نسل‌کشی مسلمانان میانمار سکوتی عجیب اختیار کرده و باعث طرح انتقادات زیادی از ساختار اعطای جایزه صلح نوبل شده است. جالب آنجاست که بسیاری از چهره‌های شناخته شده جهان خواستار بازپس‌گیری این جایزه از سوچی شده‌اند.

■ ظریف همتراز آنان نیست

اما به این اسامی باید نام‌هایی همچون یاسر عرفات و توکل کرمان یمنی را نیز باید اضافه کرد که اگرچه روزگاری برنده جایزه صلح نوبل شدند، اما هر کدام در برابر جنایاتی که در کشور و محل زندگی‌شان به وقوع پیوست، سکوت کردند و از این طریق با عاملان این جنایات همراه شدند، از این رو رسانه‌های مختلف اگر به راستی دوستدار دیپلمات کشورمان هستند، نباید با دامن زدن به شایعات در خصوص اعطای جایزه صلح نوبل به وی، او را همتراز چهره‌هایی قرار دهند که بسیاری‌شان یا همراه جنایات غربی‌ها بوده‌اند یا استانداردهای غربی‌ها را در سرزمین‌شان پیاده و تئوریزه کرده‌اند؛ موضوعاتی که به هیچ عنوان نسبتی با دکتر ظریف ندارد.

مجلس

علی لاریجانی:

جلال طالبانی از چهره‌های ماندگار تاریخ معاصر عراق است

رئیس مجلس شورای اسلامی عنوان کرد که بحق باید گفت جلال طالبانی از چهره‌های ماندگار تاریخ معاصر عراق است.

به گزارش فارس، علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی صبح چهارشنبه در نطق پیش از دستور خود، اظهار داشت: رحلت جناب آقای جلال طالبانی رئیس‌جمهور سابق عراق را که از شخصیت‌های مبارز و ممتاز در مبارزه با رژیم صدام بود به ملت عراق و خانواده محترم ایشان تسلیت می‌گوییم. وی افزود: ایشان یک دوره بسیار طولانی در مقابل دیکتاتوری صدام مبارزه جدی‌ای داشت، به خصوص در دوره سخت دفاع مقدس، کنار رزمندگان اسلام علیه رژیم سفاک صدام مبارزه می‌کرد. رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین تصریح کرد: جلال طالبانی از شخصیت‌های تأثیرگذار در دوره جدید عراق که یک نظام دموکراتیکی ایجاد شد، بود. لاریجانی ادامه داد: وی هم در تشکیل نظام جدید عراق و هم در اداره امور، مقام ریاست‌جمهوری این کشور را داشت که نقش‌آفرینی بسزایی داشت و همیشه در دوره ریاست جمهوری خود ارتباط خوب و سازنده‌ای با جمهوری اسلامی برقرار کرده بود. رئیس مقننه در بخش دیگری از سخنان خود بیان کرد: بحق باید گفت جلال طالبانی از چهره‌های ماندگار تاریخ معاصر عراق است و امیدواریم خانواده محترم ایشان تسلیت ما را بپذیرند. وی در خاتمه عنوان کرد که یاد جلال طالبانی در تاریخ عراق باقی خواهد ماند.

■ فقدان تأثیرگذاری طالبانی در جدایی کردستان عراق

همچنین حشمت‌الله فلاحت‌پیشه با اشاره به در گذشت جلال طالبانی اظهار داشت: به عنوان کسی که سال‌ها مسئولیت رئیس گروه دوستی پارلمانی ایران و عراق را بر عهده داشته‌ام باید بگویم طالبانی در مدت دوره ریاست جمهوری‌اش همکاری نزدیکی با ایران داشته است. نماینده مردم اسلام‌آباد غرب و دالاهو در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: جلال طالبانی ویژگی‌های شخصیتی بارزی داشت، او ضمن مقابله با ظلم صدام پل‌های پشت سر افراد را خراب نمی‌کرد و نگاه وحدت‌گرایانه‌ای داشت. وی با اشاره به اینکه وحدت موجود در عراق حاصل تلاش طالبانی است، گفت: طالبانی تلاش داشت در قبال همسایگان و ایران چالش ایجاد نشود و سعی کرد نقش و تعادل‌بخشی را در فضای مناسبات با کشورهای منطقه و به ویژه ایران داشته باشد. این نماینده مجلس با اشاره به تحرکات در کردستان عراق برای جدایی از این کشور عنوان کرد: در این شرایط خلأ طالبانی در تحرکات کردستان برای جدایی از عراق کاملاً احساس می‌شود، اگر طالبانی در قید حیات بود می‌توانست تأثیر بیشتری در جامعه جهانی برای آرام کردن کردستان عراق داشته باشد. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در مجلس شورای اسلامی بیان داشت: درگذشت جلال طالبانی را به مردم عراق و اکراد که ایشان را به خاطر روحیه وحدت‌گرایانه و تنش‌زدایانه تحسین می‌کردند، تسلیت می‌گویم.

گزارش ۲

محمد اسماعیلی

سیاست‌های ایالات متحده در قبال ایران غیرقابل تغییر بوده است

تضعیف ایران، اولویتی ثابت در سیاست‌های امریکا

شکل مواجهه ایالات متحده با کشورمان به ویژه در ماه‌های اخیر نشان داده است سیاست‌های این کشور در مقابل جمهوری اسلامی ایران غیرقابل تغییر است و هدف تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران اصلی این کشور همچنان در مفاهیمی مانند «فروپاشی حاکمیت اسلامی»، «تغییر ماهیت جمهوری اسلامی ایران» و «استحاله سیاسی» خلاصه می‌شود.

تهدیدات متراکم نظامی علیه ایران، وضع تحریم‌های گسترده برخلاف متن و روح برجام و تلاش برای توسعه محدودیت‌های بین‌المللی علیه کشورمان حداقل در دو سال اخیر نشان داد که امریکا کمترین پایبندی را به یک توافق بین‌المللی نداشته و با مذاکره و بدون مذاکره، در پی ضربه‌زدن به جامعه ایرانی و ایجاد تحولات زیربنایی در حاکمیت سیاسی کشور است، بنابراین اینکه با ساده‌لوحی و احساسی بیان می‌شد ایالات متحده ۲۰۱۴ با امریکای قرن ۱۹ میلادی متفاوت است چرا که اراده‌ای برای استمرار دشمنی‌ها با جامعه ایرانی نداشته و با انجام یک توافق بین‌المللی می‌توان رفتارهای ضدایرانی این کشور را کنترل کرد، با واقعیت‌های صحنه بین‌الملل در تناقض است، کما اینکه در هفته‌های اخیر که دونالد ترامپ و برخی دولتمردان این کشور خواهان خروج امریکا از برجام شده‌اند، بسیاری از مقامات رسمی این کشور خواهان استمرار برجام بنا به وجود یک دلیل مهم و اساسی شده‌اند و آن اینکه برجام توانسته رفتارهای ایران در حوزه هسته‌ای را کنترل کند و حفظ برجام می‌تواند فشارهای بین‌المللی به ایران را در سایر حوزه‌ها افزایش دهد.

اساساً امریکایی‌ها در هر دوره زمانی اولویت خود را تضعیف جمهوری اسلامی و حرکت در مسیر فروپاشی نظام قرار داده و هیچ‌گاه چنین هدفی را از دستور کار خارج نکرده‌اند بلکه تمام رفتار و مواضع سیاستمداران ایالات متحده بر اساس چنین مؤلفه‌ای استوار است. مرور پنج پیشنهاد «آدام ارلی» از سفیران سابق امریکا در بحرین و همچنین سخنگوی وزارت امور خارجه در دوران بوش به ترامپ برای یک سیاست جدید هسته‌ای در برابر ایران که در نشریه «The Hill» چاپ شد اگر چه در نگاه نخست نشان می‌دهد سیاستمداران این کشور در قبال لزوم پایبندی ایران به توافق هسته‌ای نظری واحد ندارند اما در واقع نمایانگر این مسئله است که دو حزب جمهوریخواه و دموکرات، در یک نقطه اشتراک نظر داشته‌اند و آن تضعیف جمهوری اسلامی ایران و فروپاشی کشور است؛ سیاستی که در تمام چهار دهه اخیر در اولویت سیاستمداران این کشور قرار داشته است.

■ پنج‌گانه‌ای برای تضعیف ایران

«حمایت از دموکراسی‌خواهان در ایران»، «مقابله با دخالت‌های منطقه‌ای ایران»، «سختگیری در برنامه موشک‌های بالستیک»، «توقف دسترسی سپاه به منابع مالی» و «جدی بودن در رابطه با تغییر رژیم در ایران» پنج پیشنهادی است که «آدام ارلی» از دیپلمات‌های مطرح امریکایی به دونالد ترامپ جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده است. آدام ارلی در این مقاله ادعا می‌کند که مردم دموکراسی‌خواه ایران سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را قبول ندارند و در تقابل با نظام قرار دارند! و در ادامه با تلویح از لزوم تقویت جریان تجدیدنظرطلب داخلی سخن به میان آورده و توجه به این مسئله را جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران بسیار تسهیل‌کننده و مناسب می‌دانند. آدام ارلی با ارائه دلایلی بیان می‌کند مادامی که رژیم فعلی در ایران بر سر کار باشد، ایران یک تهدید مستقیم برای امریکا و متحدان امریکاست و اگر امریکا در مورد اصلاح رفتار ایران جدی است باید شدیداً به فکر تغییر نظام در ایران باشد. وی با اشاره به حضور نمایندگانی از عربستان سعودی، یمن، مصر و مخالفان سوری در همایش منافقین در پاریس این امر را نشانه‌ای از خواست کشورهای منطقه برای تغییر رژیم ایران دانسته و بیان کرده است اگر ترامپ خواهان تغییر رژیم در ایران است، اکنون و همین حالا زمان آن است. این ادعا در حالی است که امریکایی‌ها تاکنون میلیاردها دلار جهت تقویت یک جریان سیاسی در داخل کشور و به تبع آن ایجاد آشوب‌های خیابانی و اردوکشی‌های سیاسی هزینه کرده‌اند که نمونه عینی آن غائله سال ۸۸ و ۱۸ تیر سال ۷۸ است.

این دیپلمات امریکایی در بخش دیگری از مقاله خود با ارائه آماری از سهم داشتن ۴۰ درصد سپاه از اقتصاد ایران سخن به میان آورده و این نهاد انقلابی را ابزار اصلی ترویج ترور و خشونت منطقه‌ای می‌داند و مدعی می‌شود برجام با ایجاد سرمایه و پول‌های آزاد شده منجر به تقویت سپاه شده و با اشاره به موضوع تحریم‌های اخیر سپاه توسط دولت امریکا خواستار آن شده است که این تحریم با قوت و بدون هیچ اغماضی اجرا شود. این بخش از درخواست ارلی در حالی است که گستردگی اقدامات و قوانین خصمانه امریکایی‌ها علیه سپاه فراوان و متنوع است که از جمله مهم‌ترین آن قطعنامه ۱۷۳۷ است؛ قطعنامه‌ای که پس از ارسال پرونده هسته‌ای کشورمان به شورای امنیت تحت اعمال فشار امریکا توسط فرانسه و انگلیس با همراهی آلمان تهیه شد که نهایتاً با مخالفت‌های جزئی روسیه و چین به تصویب رسید. امریکا حین اجرای مذاکرات هسته‌ای و در دوران پسابرجام نیز بارها و به بهانه‌های مختلف سپاه پاسداران و افراد مرتبط با این نهاد انقلابی را مورد تحریم قرار داده است.

■ برجام محملی برای تضعیف و فروپاشی ایران

پیشنهادات پنج‌گانه آدام ارلی را دیگر سیاستمداران امریکایی و اندیشکده‌های تحقیقاتی امریکا نیز به اشکال دیگر عنوان کرده و از دولت‌های مختلف امریکا درخواست داشته‌اند تا سیاست اصلی یا همان «فروپاشی جمهوری اسلامی ایران» را در اولویت خود قرار دهند و تمام رویه‌های بین‌المللی خود را بر پایه چنین مؤلفه‌ای مورد توجه قرار دهند و در شرایطی که در آستانه ارائه گزارش سوم دولت ترامپ در رابطه با پایبندی یا عدم‌پایبندی ایران به توافق هسته‌ای و برجام هستیم، نظریه‌پردازان این کشور خواهان تطابق تصمیم‌گیری‌های دولت ترامپ بر پایه چنین مؤلفه‌ای هستند. زمستان ۹۵ بود که اندیشکده بروکینگز در «راهبرد امنیت ملی» با بررسی اجمالی اوضاع منطقه غرب آسیا برای کنترل قدرت ایران به دولت حاکمه امریکا پیشنهاداتی را ارائه می‌دهد: «در غرب آسیا، به واسطه افزایش همکاری با دوستان و متحدان قدیمی و بازگرداندن اعتماد در جاهایی که ضروری است، هدف اول امریکا باید بازگرداندن پایداری به منطقه باشد. امریکا باید رفرم اقتصادی و مدرن‌سازی جهت ایجاد شرایط پیش روی جهان عرب را در اولویت خود قرار دهد.» سه ماه پیش از امضای برجام بود که شورای امور بین‌الملل روسیه در گزارشی بحث‌برانگیز گفته بود، در صورتی که ایران با امریکا در مورد مسئله هسته‌ای به یک خروجی واحد و توافقنامه جامع برسند، سیاست‌های ایالات متحده امریکا در قبال ایران تغییر نخواهد کرد و مقامات این کشور در هر شرایطی خواهان تغییر حاکمیت سیاسی در کشورمان هستند. در بخشی از این گزارش آمده بود: «توافق هسته‌ای، راهبرد امریکا را تغییر نمی‌دهد زیرا هدف واشنگتن تغییر نظام ایران که خارج از کنترل کاخ سفید است و یک مسیر سیاسی مستقل را در منطقه دنبال می‌کند، می‌باشد.» همچنین در این گزارش آمده بود: «آیا توافق نهایی ایران و ۵+۱، راه را برای گرم شدن روابط بین تهران و پایتخت‌های غربی هموار می‌کند؟ بعید است که اینطور شود، دست‌کم تا جایی که به واشنگتن مربوط می‌شود، چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. در چارچوب توافقات در زمینه برنامه هسته‌ای ایران، کشورهای اروپایی تلاش می‌کنند در حوزه اقتصادی، روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران تقویت کنند زیرا ایران را به عنوان یک منبع هیدروکربن، جایگزین خوبی برای روسیه می‌دانند. اما تا جایی که به امریکا مربوط می‌شود، توافق هسته‌ای، راهبرد این کشور را تغییر نمی‌دهد زیرا هدف واشنگتن تغییر نظام ایران که خارج از کنترل کاخ سفید است و یک مسیر سیاسی مستقل را در منطقه دنبال می‌کند، می‌باشد.» گرت پورتر، روزنامه‌نگار برجسته امریکایی و مؤلف کتاب «بحران ساختگی» در مورد پرونده هسته‌ای ایران همانند شورای امور بین‌الملل روسیه معتقد است: «سیاست‌های امریکا در خاورمیانه بعد از توافق هسته‌ای ایران تغییر نخواهد کرد... در شرایطی که سازمان‌ها و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی امریکا از هر تلاشی برای تغییر رفتار و تضعیف ایران دریغ نمی‌کنند و امریکا به طور کلی به دنبال مقابله با نفوذ ایران در منطقه است، نمی‌توان چندان روی توافق هسته‌ای ایران حساب کرد.»

■ دشمنی‌های امریکا تصغیر نشود

با توجه به اینکه سیاست‌های امریکا در قبال ایران تغییر نکرده و همچنان بر مدار تضعیف جمهوری اسلامی ایران و فروپاشی نظام استوار است انتظار می‌رود دستگاه دیپلماسی نیز رفتار و مواضع خود را جهت مقابله با چنین هدفی سازماندهی کرده و بیش از این برای حفظ برجام به هر قیمتی، در مسیر تصغیر دشمنی‌های امریکا گام برندارد.

گزیده خبر

بررسی آخرین تحولات سوریه در سفر بروجردی به دمشق

رئیس و برخی از اعضای کمیسیون امنیت ملی و نماینده آشوریان در مجلس برای بررسی آخرین تحولات سوریه و منطقه از اهداف این سفر وارد دمشق شدند.

به گزارش خانه ملت، علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در رأس هیئتی متشکل از آقایان کریمی‌قدوسی نماینده مشهد مقدس و نانواکناری نماینده بابلسر و فریدون کنار و بت کلیا نماینده آشوریان در مجلس شورای اسلامی وارد دمشق شدند. هیئت پارلمان ایران مورد استقبال سرلشکر فیصل الخوری رئیس کمیسیون امنیت ملی و عمار معاون رئیس کمیسیون امور عربی مجلس سوریه قرار گرفتند. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در فرودگاه دمشق گفت: کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در چارچوب وظایف قانونی خود و با هدف ابلاغ پیام تبریک دکتر لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی به آقای حمود یوسف الصباغ رئیس جدید مجلس سوریه و دیدار با مقامات عالی‌رتبه این کشور این سفر را انجام داده است. همچنین مذاکره در زمینه آخرین تحولات سوریه و منطقه از اهداف این سفر خواهد بود.

یادداشت

زینب عامری

درسنامه شهید حججی

تحلیل شخصیت، شهادت و وصیت شهید محسن حججی می‌تواند یک درسنامه کامل برای جوانان انقلابی باشد. رهبر انقلاب در دیدار روز سه‌شنبه با خانواده شهید محسن حججی فرمودند: «دشمنان تلاش‌های فراوانی برای بازگرداندن ملت به ویژه جوانان از راه جهاد و شهادت و فراموش کردن امام و گم کردن خط انقلاب انجام داده‌اند و می‌دهند. محسن حججی نمادی از جوانان انقلابی و معجزه جاری انقلاب اسلامی است. اگر کمیت و کیفیت جوانان انقلابی بیشتر از دهه ۶۰ نباشد، کمتر نیست... خدای متعال بر اساس حکمت خود و خصوصیاتی که در این جوان بود او را نماینده شهدا و عاملی برای افتخار کشور خود کرده است.» در این نوشتار به بررسی این خصوصیات و تحلیل وصیتنامه ایشان می‌پردازیم تا هویدا شود چگونه این شهید بزرگوار توانست به یک جریان‌سازی نو و عمیق درون بدنه فکری انقلاب اسلامی دست بزند و آن را پیش روی جوانان انقلابی قرار دهد:

۱- ظلم‌ستیزی: یکی از ویژگی‌های بارز فکری و رفتاری در زندگی محسن حججی ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی او بود. شهید در بخشی از اولین دستنوشته‌های خود خطاب به فرزندش می‌نویسد: اگر نمی‌رفتم باید تن به ظلم می‌دادم و شاهد توهین به اهل بیت رسول خدا می‌بودم. مقاومت و ایستادگی در مقابل ظلم و استکبار و عدم‌مسامحه با آن اولین و مهم‌ترین درسی است که از سیاق فکری، زندگی و شهادت شهید حججی می‌توان آموخت.

۲- اقتدارخواهی و عزت‌طلبی نیز از اولین پیام‌هایی بود که ذهن عمومی جامعه از آخرین تصویر شهید حججی و نوع شهادت او بر گرفت؛ درسی که نیاز به بازگویی و تحلیل نداشت. موجی از اقتدار که در چهره شهید در لحظات اسارت نمایان است حجتی برای همگان شد که اگر به حقانیت راه اسلام و نظام اسلامی ایمان و باور قلبی و عقلی داشته باشی هرگز تن به ذلت و ظلم نخواهی داد و تا آخرین لحظه ایستادگی خواهی کرد. شهید حججی عزتمندانه ره توشه شهادت برگرفت و در میان تمام طبقات فکری جامعه آبرو و عزت یافت و نشان داد راه اسلام راه عزت و اقتدار در مقابل باطل است. حق و باطل را همنشینی و سازشی با یکدیگر نیست. در مقابل باطل مقاومت عزتمندانه لازم است و در نهایت این حق است که پیروز و ماناست، همانگونه که خون شهید حججی تبدیل به جریانی از رویش تفکر انقلابی در جامعه شد. بی‌شک خون و راه این شهید، به جریانی بدل خواهد شد که نمونه‌های فراوان از محسن حججی در آن رشد خواهند کرد.

۳- ولایتمداری: اولین توصیه‌ای که شهید حججی در متن وصیتنامه خود به مردم می‌کند، تنها نگذاشتن رهبری و حراست از ولایت است. این شهید بزرگوار قبل از هر وصیت و سفارشی قلم به حقانیت «ولی فقیه» می‌چرخاند و آن را در شرایط کنونی از مهمات برمی‌شمارد. ایشان مضاف بر وصیتنامه و پیش از آن بارها بر این مسئله تأکید و توجه داشته‌اند. حججی در آخرین دستنوشته خود می‌نویسد: (ان‌شاءالله شهادتم صدق گفتارم را گواهی می‌دهد، راه ولایت همان راه علی است و رهبر برحق سیدعلی است). این مهم نشان‌دهنده آن است که انقلاب و انقلابی‌گری بدون عنصر ولایتمداری تنها پوسته‌ای بی‌مغز، تهی و شکننده است که قابلیت رویش نسل‌های نوین و جهادگر و شهادت‌طلب درون بدنه انقلاب را دارا نیست.

۴- ایشان بعد از ولایت از اهمیت و جایگاه «حجاب و عفاف» در میدان جنگ نرم می‌گوید. شهید غیرمستقیم از دامنه فعالیت‌های ضدانقلاب پیرامون کمرنگ کردن عفاف و به چالش کشاندن حجاب سخن به میان می‌آورد و از تمام زنان سرزمین خود و زنان مسلمان می‌خواهد با حفظ حجاب و روشنگری در این میدان فرماندهان جنگ نرم اسلام باشند و در مقابل موجی که بنیان‌های انقلاب را نشانه رفته است، ایستادگی کنند و با تأسی از اهل بیت رسول‌الله (ص) و امام حسین(ع) صبورانه و با صلابت از این آرمان مهم اسلامی پاسداری کنند.

۵- اصل دیگری که شهید حججی پس از حجاب بر آن متمرکز می‌شود «مبارزه با غرب‌گرایی» است. بلاتردید امروزه تمایل به مدل‌های غرب‌ساخته و تعریف‌های نوینی که حتی از اسلام ارائه داده می‌شود، به یک آفت بزرگ فکری بدل شده است؛ نکته‌ای که از نگاه عمیق شهید در آخرین لحظات و شرایط خطیر جهاد نیز مهجور نمانده است. ایشان در این بخش از وصیت خود می‌نویسد: (از همه شما مردان امت رسول‌الله می‌خواهم فریب فرهنگ و مدهای غربی را نخورید!) و در ادامه، راه اهل بیت و شهدا- یا همان «مدل اسلامی»- را به عنوان تنها مدل فکری صحیح و حجتی پیش روی همگان می‌داند و می‌نگارد: (همواره علی‌بن ابیطالب امیرالمؤمنین را الگو و پیشوای خود قرار دهید و از شهدا درس بگیرید...) بنابراین دوری از غرب‌زدگی و فریفته نشدن در مقابل آن و اهتمام به الگوهای ایرانی - اسلامی از مهم‌ترین درس‌هایی است که از سبک زندگی، شهادت و وصیت شهید محسن حججی بر جای مانده است.

۶- شهید حججی در بخش بعدی از وصیت خود به حق‌الناسی که بر گردن دارد اشاره می‌کند. این حساسیت به حق‌الناس و حقوق دیگران در جامعه نیز یک پیام بزرگ اخلاقی- سیاسی برای طبقات مختلف فکری در جامعه است. آیا پیروی از راه اهل بیت (ع) و اسلام با اهمال‌کاری و بی‌دقتی در بیت‌المال و حقوق مردم در جامعه قابل جمع است؟ این تفکر در سطح کلان می‌تواند خطاب به تمام ارگان‌ها در نظام جمهوری اسلامی بازگردد که باید بر چگونگی هزینه‌کرد و حراست از بیت‌المال و حقوق مردم حساسیت ویژه‌ای قائل شود. بدون شک حق‌الناس تنها جنبه مادی نبوده و اگر ارگانی به‌علت بی‌کفایتی یا سیاست‌های نادرست ملت را با اتلاف وقت، انرژی، هزینه و ضررهای بسیار روبه‌رو کند، این نیز حق‌الناسی بر گردن آن خواهد بود. توجه شهید حججی به کوچک‌ترین دیونی که بر ذمه اوست می‌تواند تلنگر خوبی به افراد، ارگان‌ها و نهادها برای اهمیت به این اصل مهم اسلامی باشد.

۷- بخش نهایی وصیت شهید حججی فرازی شگرف از دعای عهد است. در این قسمت شهید مضاف بر دعای ظهور، به وظایف افراد در نظام اسلامی برای مبارزه و زمینه‌سازی در این مسیر اشاره می‌کند. امام خمینی(ره) در صحیفه نور این مهم را بزرگ‌ترین آرمان و رسالت نظام جمهوری اسلامی برمی‌شمارد که حرکت در مسیر اصلاح حکومت و سپس جامعه، زمینه‌های تحقق عدالت، کمال، رفاه و امنیتی را که ماحصل تفکر مهدوی است، فراهم می‌کند. امام در پاره‌ای از فرمایشات خود با سران نظام می‌فرمایند: «مسئولان جمهوری اسلامی اگر به فکر ایجاد حکومت جهانی حضرت حجت نباشند، خائن و خطرسازند، حتی اگر به مردم خدمت کنند.» رهاورد این تفکر منجر به رویش‌های جوانه‌های انقلابی همچون شهید محسن حججی می‌شود که تبعیت از ولی‌فقیه، حراست از امنیت کشور و نظام اسلامی و پاسداری از آرمان برحق مهدویت را معنا می‌کند. سبک زندگی و شهادت شهید حججی می‌تواند یک الگوی فکری تمام‌عیار برای جوانان انقلابی باشد که حقیقت‌خواهی و شهادت‌طلبی از عناصر اولیه آن است. جای جای زندگی و مبارزه این شهید بزرگوار درس‌های عمیق، زیبا و مهمی را برجای گذاشته که مسئولیت پاسداری از آن و همچنین آرمان بزرگ تمام شهدای راه اسلام را برای مردم هر زمان سنگین‌تر می‌کند.